

اخلاق و صلاحیت های مورد نیاز مروجین کشاورزی از دیدگاه قرآن

محمد یحیائی¹

¹استادیار گروه علوم دامی دانشکده کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه اراک 3 کدپستی: 8-8349-38156

Ethical principles and competencies of agricultural promoters from the
Qur'an perspective

Mohammad yahyaei

Department of Animal science, Faculty of Agriculture, Arak university, Arak 38156-8-8349. Iran.

چکیده:

آنچه مسلم است کارائی مروجین نقش موثری در میزان موفقیت برنامه های ترویجی دارد و این کارآمدی بستگی به خلاقیتی دارد که مروجین بایستی واجد آن باشند. در قرآن آیات زیادی وجود دارد که در آنها به برخی از صفات مبلغ و مروج اشاره کرده است. آشنائی با این آیات می تواند اطلاعات مناسبی را درباره برخی از ویژگی های مروج در اختیار ما قرار دهد. این مقاله به دور از ارائه تفسیر علمی برای آیات قرآن با هدف بیان آیاتی که صراحتاً به بیان برخی از ویژگی های مبلغان و مروجان پرداخته، نگارش شده و

هدف آن الگوگیری از این آیات در معرفی برخی از شاخصه های یک مروج خوب و کارآمد بوده است.

کلمات کلیدی: ترویج، مروج دامپرور، قرآن

مقدمه

فرآیند ترویج بدون مروج کارآمد نخواهد بود زیرا در تمام فعالیت های ترویجی مروج عنصری حیاتی به شمار می رود و میزان کارآئی مروج عنصری است که می تواند تعیین کننده میزان موفقیت یا ناکامی یک برنامه ترویج باشد. ترویج به دنبال تعالی و تکامل انسانهاست لذا این امر منوط به کیفیت انسان هائی است که در این حیطه مشغول خدمت هستند (1). مروج بایستی به شیوه ها و روش های گوناگون با مردم کار کند. کار با مردم اغلب پیچیده و مشکل است و شخصی را طلب می کند که از استعداد و توانائی های زیادی بهره مند باشد و بتواند رابطه تنگاتنگ و نزدیک با آنها برقرار کند. اگر قرار باشد یک مروج خوب کار خود را به نحو احسن انجام دهد باید دارای صلاحیت های اخلاقی، فنی و اجتماعی مشخصی باشد (1). قرآن به عنوان بزرگترین و کامل ترین کتاب دینی به برخی از ویژگی های مبلغین اشاره داشته است. از این آیات می توان به عنوان فاکتور جهت بررسی صلاحیت های مورد نیاز مروجین امور دام استفاده کرد. این مقاله به دور از ارائه تفسیر علمی برای آیات قرآن با هدف بیان آیاتی که صراحتاً به بیان برخی از ویژگی های مبلغان پرداخته نگارش شده و هدف آن الگوگیری از این آیات در معرفی برخی از شاخصه های یک مروج خوب و کارآمد بوده است.

صفات مروج

1) توکل به خدا داشته باشد

در عین حال که عمل مروج در هدایت و آگاهی مردم بسیار موثر است ولی مروج بایستی در همه حال توجه داشته باشد که موثر واقعی خداست و وی ابزاری بیش نمی باشد.

قَبِيْمًا رَحْمَةً مِّنَ اللّٰهِ لَئِنْ لَّمْ يَكُنْ قَطًّا غَلِيْظًا الْقَلْبُ لَا نَقْضُوْا مِنْ حَوْلِكَ قَاعُفُ عَنْهُمْ
وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْاَمْرِ فَاِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللّٰهِ اِنَّ اللّٰهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِيْنَ ﴿١٥٩﴾

[ای پیامبر!] پس به مهر و رحمتی از سوی خدا با آنان نرم خوی شدی ، و اگر درشت خوی و سخت دل بودی از پیرامونت پراکنده میشدند؛ بنابراین از آنان گذشت کن، و برای آنان آمرزش بخواه ، و در کارها با آنان مشورت کن، و چون تصمیم گرفتی بر خدا توکل کن ؛ زیرا خدا توکل کنندگان را دوست دارد. (آل عمران)(2)

اِنَّكَ لَا تَهْدِيْ مَنْ اَحْبَبْتَ وَلَكِنَّ اللّٰهَ يَهْدِيْ مَنْ يَّشَاءُ وَهُوَ اَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِيْنَ ﴿٥٦﴾

قطعاً تو نمیتوانی هر که را خود دوست داری هدایت کنی، بلکه خدا هر که را بخواهد هدایت میکند؛ و او به هدایتپذیران داناتر است. (قصص)(3)

(2) داشتن اخلاص در کار

از آنجائی که موثر واقعی خداست لذا اگر مروج کار را صادقانه و با اخلاص برای خدا انجام دهد بر دل های مردم بیشتر اثر خواهد گذاشت. از طرف دیگر داشتن اخلاص در کار مروج را از ناملایمات مردمی و بعضاً نتیجه ندادن برنامه ترویجی مایوس نمی کند و انگیزه وی را برای فعالیت بیشتر می کند.

قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٦٢﴾
بگو: مسلماً نماز و عبادتم و زندگی کردن و مرگم برای خدا پروردگار جهانیان است.
(انعام)(4)

(3) به کار خود ایمان داشته باشد

در فرآیند ترویج مروج بایستی ارتباطی کارساز با کشاورز داشته باشد. یکی از عوامل موثر بر روی این ارتباط بر طبق مدل ارتباطی برلو اعتبار منبع ارائه دهنده پیام (مروج) می باشد (5). از طرف دیگر اعتبار منبع بر روی تغییر نگرش مخاطبان موثر است. این اعتبار از نگرشی که مروج نسبت به خود و پیام خود دارد تاثیر می پذیرد به طوری که نگرش مثبت نسبت به خود و پیام خود منجر به افزایش اعتبار خواهد شد (5).

فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ تَبَيَّلُوا لَنْفَعَتِ اللَّهِ عَلَى الْكَافِرِينَ ﴿٦١﴾
پس هر که با تو درباره عیسی پس از آنکه بر تو [به واسطه وحی، نسبت به احوال وی] آگاهی آمد، گفتگوی بمنطق کند، بگو: بیایید ما پسرانمان و شما پسرانتان، و ما زنانمان و شما زنانتان، و ما خویشان نزدیک و شما خویشان نزدیکتان را دعوت کنیم؛ سپس یکدیگر را نفرین نماییم، پس لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم. (آل عمران)(2)

(4) علم و آگاهی داشته باشد

اگر قرار باشد یک مروج کار خود را به نحو احسن انجام دهد باید دارای صلاحیت های فنی باشد (یعنی دامپرور بتواند به او به عنوان یک مرجع آگاه و موثق اطلاعات احترام بگذارد)(1). مروج در صورتی می تواند مردم را به امری دعوت کند که هم خود آگاه باشد و هم بر اساس آگاهی مردم را دعوت به فعالیت کند. از طرف دیگر علم و آگاهی یکی از شرایط اصلی و اساسی جهت انتقال پیام از سوی مروج به دامپرور است به

طوری که اصولاً مردم با افرادی ارتباط برقرار می کنند که بتوانند مشکلات آنها و نیاز آنها را درک کرده و در جهت رفع آن برآیند(5).

قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿١٠٨﴾

بگو: این طریقه من است که من و هر کس پیرو من است بر پایه بصیرت به سوی خدا دعوت میکنم، و خدا از هر عیب و نقصی منزّه است و من از مشرکان نیستم. (یوسف) (6)

ثُمَّ جَعَلْنَاكَ عَلَىٰ شَرِيعَةٍ مِّنَ الْأَمْرِ فَاتَّبِعْهَا وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ ﴿١٨﴾
سپس تو را [در امر نبوت و دین] بر آیینی ویژه و کامل قرار دادیم؛ بنابراین از آن پیروی کن و از هواهای نفسانی کسانی که [به حقایق] معرفت ندارند، پیروی مکن (جاثیه) (7)

فَوَجَدَا عَبْدًا مِّنْ عِبَادِنَا آتَيْنَاهُ رَحْمَةً مِّنْ عِنْدِنَا وَعَلَّمْنَاهُ مِنْ لَّدُنَّا عِلْمًا ﴿٦٥﴾
آجا بندهای از بندگان ما را یافتند که او را از نزد خود رحمتی داده و از پیشگاه خود دانشی ویژه به او آموخته بودیم. (کهف) (8)

5) خیرخواه و دوستدار مردم باشد

مروجی در کار خود موفق خواهد بود که هدفش از انجام فعالیت های ترویجی صرفاً رفع تکلیف نباشد بلکه وی بایستی واقعاً دوستدار و خیرخواه آنها باشد. برخی از دامداران بر این باورند که مروجان سازمان های تجاری نه به خاطر صلاح مشتریان بلکه صرفاً برای کسب منفعت ایده یا طرحی را ترویج می کنند (5).

لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ ﴿١٢٨﴾
یقیناً پیامبری از جنس خودتان به سویتان آمد که به مشقت افتادنتان بر او دشوار است، اشتیاق شدیدی به [هدایت] شما دارد، و نسبت به مؤمنان رؤوف و مهربان است. (توبه) (9)

مَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَىٰ ﴿٢﴾
ما قرآن را بر تو نازل نکردیم تا به مشقت و زحمت افتی (طه) (8)

وَرَفَعْنَاهُ مَكَانًا عَلِيًّا ﴿٥٧﴾
و او را به جایگاه بلندی ارتقا دادیم. (مریم) (8)

وَقَالَ الَّذِي آمَنَ يَا قَوْمِ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ مِثْلَ يَوْمِ الْأَحْزَابِ ﴿٣٠﴾
آن مرد مؤمن گفت: ای قوم من! بتردید من بر شما از روزی مانند روز [عذاب] گروهها [ی که پیامبران را تکذیب کردند] مترسم (غافر) (3)

قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ إِنْ أَجَرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ﴿٤٧﴾
 بگو: هر گونه پاداشی که از شما خواستم، آن پاداش برای خودتان، پاداش من فقط بر
 عهده خداست، و او بر همه چیز گواه است (سبا)(3)

قَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِهِ إِنَّا لَنَرَاكَ فِي صَلَالٍ مُبِينٍ ﴿٦٠﴾
 اشراف و سران قومش گفتند: مسلماً ما تو را در گمراهی آشکار مبیین (اعراف)(10)

فَإِمَّا تَذْهَبَنَّ بِكَ فَإِنَّا مِنْهُمْ مُنْتَقِمُونَ ﴿٤١﴾
 چون تو را از دنیا ببریم، یقیناً از اینان انتقام خواهیم گرفت (زخرف)(7)

6) دارای سعه صدر باشد

شخص مروج بایستی بداند که مخاطبان او یکسان نمی باشد و برخی ممکن است علاوه
 بر اینکه به صحبت های وی توجهی نداشته باشند ایجاد چالش هم بکنند از اینرو بایستی
 دارای سعه صدر باشد و اندوهگین نشود.

قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي ﴿٢٥﴾
 گفت: ای پروردگارم! سینهام را [برای تحمل این وظیفه سنگین] گشاده گردان (طه)(8)

يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ لَا يَحْزُنْكَ الَّذِينَ يُسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ ﴿٤١﴾ (بخشی از آیه می باشد)
 ای پیامبر! کسانی که در کفر مشتابند تو را غمگین نسازند (مائده)(4)

قَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِهِ إِنَّا لَنَرَاكَ فِي صَلَالٍ مُبِينٍ ﴿٦٠﴾ قَالَ يَا قَوْمِ لَيْسَ بِي صَلَالَةٌ وَلَكِنِّي رَسُولٌ
 مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٦١﴾

اشراف و سران قومش گفتند: مسلماً ما تو را در گمراهی آشکار مبیین! «60» گفت:
 ای قوم من! هیچ گمراهی و انحرافی در من نیست، بلکه من فرستادهای از سوی
 پروردگار جهانیانم (اعراف)(10)

قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ إِنَّا لَنَرَاكَ فِي سَفَاهَةٍ وَإِنَّا لَنَظُنُّكَ مِنَ الْكَاذِبِينَ ﴿٦٦﴾ قَالَ يَا
 قَوْمِ لَيْسَ بِي سَفَاهَةٌ وَلَكِنِّي رَسُولٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٦٧﴾

اشراف و سران قوم کافرش گفتند: ما تو را غرق در سبک مغزی و نادانی مبیین و تو را
 از دروغگویان مپنداریم!! گفت: ای قوم من! در من هیچ سبک مغزی و نادانی نیست،
 بلکه من فرستادهای از سوی پروردگار جهانیانم (اعراف)(10)

فَلِذَلِكَ فَادُعُ وَاسْتَقِمْ كَمَا ﴿١٥﴾ (بخشی از آیه می باشد)
 آنان را [به سوی همان آیینی که به تو وحی شده] دعوت کن، و همان گونه که مأموری
 [بر این دعوت] استقامت کن (شوری)(7)

قَالُوا إِنْ يَسْرِقْ فَقَدْ سَرَقَ أَخٌ لَهُ مِنْ قَبْلُ فَأَسَرَّهَا يُوسُفُ فِي تَفْسِهِ وَلَمْ يُبْدِهَا لَهُمْ قَالَ أَنْتُمْ شَرُّ مَكَانًا وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا تَصِفُونَ ﴿٧٧﴾

برادران گفتند: اگر این شخص دزدی میکند [خلاف انتظار نیست]؛ زیرا پیشتر برادری داشت که او هم دزدی کرد. یوسف [به مقتضای کرامت و جوانمردی] این تهمت را در دل خود پنهان داشت و نسبت به آن سخنی نگفت و این راز را فاش نساخت. در پاسخ آنان گفت: منزلت شما بدتر [و دامتنان آلوده‌تر از این] است [که ظاهرتان نشان مدهد] و خدا به آنچه بیان میکنید، داناتر است (یوسف)(6)

(7) مردمی و درد آشنا بودن

یکسان بودن نظام اجتماعی و فرهنگی میان مروج و مخاطبان نقش مهمی در برقراری ارتباط موثر بین آنها دارد. مردم هنگام سخن گفتن با کسانی که همانند خودشان هستند احساس راحتی می‌کنند (5). بیشتر مروجان از موقعیت مطمئنی در سازمان‌های رسمی مانند ادارات دولتی برخوردارند که این امر ممکن است باعث شود از زندگی دامداران آگاهی کافی را نداشته باشند و برخی اوقات مشکلات آنها را حس نکنند.

لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ ﴿١٢٨﴾

یقیناً پیامبری از جنس خودتان به سوی‌تان آمد که به مشقت افتادنتان بر او دشوار است، اشتیاق شدیدی به [هدایت] شما دارد، و نسبت به مؤمنان رؤوف و مهربان است (توبه)(9)

قُلْ إِنَّمَا آتَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهُ وَاحِدٌ فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا ﴿١١٠﴾

بگو: جز این نیست که من هم بشری مانند شمایم که به من وحی میشود: بر این که معبود شما فقط خدای یکتاست؛ پس کسی که لقاء پروردگارش را امید دارد، باید کاری شایسته انجام دهد و هیچ کس را در پرستش پروردگارش شریک نکند (کهف)(8)

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا بِلِسَانٍ قَوْمِهِ لِيُنَبِّئَ لَهُمْ قِيَصُ اللَّهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٤﴾

و ما هیچ پیامبری را جز به زبان قومش نفرستادیم تا [بتواند به وسیله آن زبان، پیام وحی را به روشنی] برای آنان بیان کند. پس خدا هر کس را بخواهد [به کیفر تعصب و عنادش] گمراه میکند، و هر کس را بخواهد هدایت منماید، و او توانای شکستناپذیر و حکیم است (ابراهیم)(6)

وَعَجَبُوا أَنْ جَاءَهُمْ مُنْذِرٌ مِنْهُمْ وَقَالَ الْكَافِرُونَ هَذَا سَاحِرٌ كَذَّابٌ ﴿٤﴾

و از اینکه بیم دهنده‌ای از جنس خودشان به سوی آنان آمده است تعجب کردند، و کافران گفتند: این جادوگری بسیار دروغ‌گوست (ص)(7)

قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهُ وَاحِدٌ فَاَسْتَقِيمُوا إِلَيْهِ وَاسْتَغْفِرُوهُ وَوَيْلٌ لِّلْمُشْرِكِينَ ﴿٦﴾

بگو: من بشری مانند شما هستم، [نه از جنسی دیگر که سختم را نفهمید] به من وحی میشود که معبود شما فقط خدای یکتاست، پس [با دوری از افراط و تفریط] به سوی او رو کنید، و از او آمرزش بخواهید، و وای بر مشرکان (فصلت)(7)

وَلَوْ جَعَلْنَاهُ مَلَكَاَ لَجَعَلْنَاهُ رَجُلًا وَلَلَبَسْنَا عَلَيْهِم مَّا يَلِيسُونَ ﴿٩﴾
این مغالطهگران لجوج میگویند: چرا پیامبر از جنس فرشتگان نیست؟ [اگر او را فرشتهای قرار میدادیم، یقیناً وی را به شکل مردی در مآوردیم، و قطعاً حقیقت را همانطور که آنان بر دیگران مُشْتَبِه میکنند [به سزای لجاجتشان] بر خود آنان مُشْتَبِه مساختیم، [تا بر فرض پیامبر قرار دادن فرشته، باز بگویند: چرا پیامبری از جنس بشر برای ما قرار داده است؟] (انعام)(4)

فَخَرَجَ عَلَىٰ قَوْمِهِ مِنَ الْمِحْرَابِ فَأَوْحَىٰ إِلَيْهِمْ أَن سَبِّحُوا بُكْرَةً وَعَشِيًّا ﴿١١﴾
پس [به دنبال ناتوانی از سخن گفتن] از عبادتگاهش به سوی قومش بیرون آمد و به آنان اشاره کرد که صبح و شام خدا را تسبیح گویند (مریم)(8)

وَلَوْ تَرَىٰ تَرْئَاهُ عَلَىٰ بَعْضِ الْأَعْجَمِينَ ﴿١٩٨﴾
اگر آن را بر برخی از غیر عربها نازل کرده بودیم (شعراء)(11)
هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿٢﴾
اوست که در میان مردم بسواد، پیامبری از خودشان برانگیخت تا آیات او را بر آنان بخواند و آنان را [از آلودگیهای فکری و روحی] پاکشان کند و به آنان کتاب و حکمت بیاموزد، آنان قطعاً پیش از این در گمراهی آشکاری بودند (جمعه)(12)

فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَىٰ ﴿٩﴾
پس [فاصله‌اش با پیامبر] به اندازه فاصله دو کمان گشت یا نزدیکتر شد (نجم)(13)

8) ساده زیست و خوش سابقه بودن

مردم متمایل به برقراری ارتباط و مراوده با افرادی اند که از نظر سابقه و علایق بیشتر شبیه خودشان هستند. برای مروجان بسیار اهمیت دارد که از تفاوت های اساسی میان خود و دامدارانی که با آنها سروکار دارند آگاهی داشته باشند و با برقراری تماس های اجتماعی به عنوان یک دوست حسن شهرت بدست آورند. این عوامل در برقراری ارتباط و نیز تغییر نگرش مخاطبان بسیار موثر است(5).

قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ ﴿٨٦﴾

بگو: من برای ابلاغ دین هیچ پاداشی از شما نمخواهم و از کسانی که چیزی را از نزد خود مسازند [و ادعای باطل میکنند] نیستم (ص)(7)

قَالُوا يَا صَالِحُ قَدْ كُنْتَ فِينَا مَرْجُوًّا قَبْلَ هَذَا أَتَنْهَانَا أَنْ نَعْبُدَ مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا وَإِنَّ لَافِي شَكٍّ مِمَّا تَدْعُونَا إِلَيْهِ مُرِيبٍ ﴿٦٢﴾

گفتند: ای صالح! پیش از این در میان ما [به عنوان انسانی خردمند] مورد امید بودی، آیا ما را از پرستیدن آنچه پدرانمان میپرستیدند، باز مداری؟ و ما بتدرید در [درستی] تعالیمی که به آن دعوتمان میکنی در شکی شدید و سخت هستیم [چنان شکی که در خردمندی تو نیز دچار تردیدیم]. [هود](9)

قُلْ لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا تَلَوْتُمْ عَلَيْكُمْ وَلَا أَدْرَاكُمْ بِهِ فَقَدْ لَبِثْتُ فِيكُمْ عُمُرًا مِنْ قَبْلِهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿١٦﴾

بگو: اگر خدا میخواست آن را بر شما نمخواندم، و او هم شما را به آن آگاه نمیکرد؛ همانا مدتها پیش از نزول قرآن در میان شما بودم، [و ادعای پیامبری نداشتم، اکنون صدق پیامبری خود را با این قرآن اثبات میکنم] آیا نماندیشید؟ (یونس)(9)

9) پرهیز از منت و مطالبه پول

دامداران به کسی بیشتر توجه می کنند که به کار آنها و حل مشکلاتشان علاقه مند است و کار ترویج را صرفاً جهت رفع تکلیف و انجام وظیفه اداری انجام نمی دهد و عدم وجود این دید نسبت به مروجان نمجر به کاهش اعتبار آنها در نزد دامداران خواهد شد (5).

فُمْ قَانِيزَ (٢) وَرَبَّكَ فَكَبِّرْ (٣) وَثِيَابَكَ فَطَهِّرْ (٤) وَالرُّجْزَ فَاهْجُرْ (٥) وَلَا تَمْنُنْ تَسْتَكْثِرُ (٦) برخیز و بیم ده، «2» و پروردگارت را بزرگدار، «3» و جامهات را پاک کن، «4» و از پلیدی دور شو «5» و [احسانت را بر دیگران] در حالی که [آن را] بزرگ و فراوان بینی، منت مگذار (مدثر)(12)

وَإِنَّكَ لَتَدْعُوهُمْ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿٧٣﴾
و مسلماً تو آنان را به راهی مستقیم دعوت میکنی (مومنون)(11)

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجَرِيَ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٠٩﴾
من از شما بر ابلاغ رسالتم هیچ پاداشی نمخواهم، پاداش من فقط بر عهده پروردگار جهانیان است (شعراء)(11)

قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ ﴿٨٦﴾
بگو: من برای ابلاغ دین هیچ پاداشی از شما نمخواهم و از کسانی که چیزی را از نزد خود مسازند [و ادعای باطل میکنند] نیستم (ص)(7)

10) متواضع و انتقاد پذیر بودن

یک مروج ممکن است به دلیل داشتن تحصیلات دانشگاهی بیشتر با باورهای شخصی مخاطبانش موافق نباشد اما باید همیشه آنها را در نظر داشته باشد و به آنها احترام بگذارد. از سوی دیگر انتقادپذیری نیز یک صفت ارزشمندی است و از آنجائی که هیچ انسانی بدون از خطاء و اشتباه نیست امکان اشتباه در کار مروج هم وجود دارد. داشتن این دو خصیصه نقش مهمی در مقبولیت مروج نزد دامداران خواهد داشت (5).

وَاحْفَظْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿٢١٥﴾
و پر و بال [فروتنی و تواضع] خود را برای مؤمنانی که از تو پیروی میکنند بگستر (اسراء)
(8)

وَمَا أُبَرِّئُ نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي إِنَّ رَبِّيَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٥٣﴾
من خود را از گناه تبرئه نمکنم ؛ زیرا نفس طغیان گر به شدت به بدی فرمان میدهد
مگر آن که پروردگارم رحم کند ؛ زیرا پروردگارم بسیار آمرزنده و مهربان است (یوسف)
(6)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ
الْخَاسِرُونَ ﴿٩﴾
ای مؤمنان ! مبدا اموال و فرزندان شما را از یاد خدا غافل کنند ، و آنان که [به خاطر
مال و فرزند از یاد خدا] غافل میشوند، زیانکارند (منافقون)(12)

منابع:

1) موسوی، س.س.، اسدی، ع.، سعدی، ح.، پیش بین، س.ا.ر. 1382. صلاحیت های
مورد نیاز مروجین امور دام. مجله علوم کشاورزی ایران. جلد 34. شماره 2. صفحات
333-343.

2) قرائتی، محسن (1374): تفسیر نور جلد 2. انتشارات مرکز فرهنگی درسهای از
قرآن. چاپ اول

3) قرائتی، محسن (1374): تفسیر نور جلد 9. انتشارات مرکز فرهنگی درسهای از
قرآن. چاپ اول

4) قرائتی، محسن (1374): تفسیر نور جلد 3. انتشارات مرکز فرهنگی درسهای از
قرآن. چاپ اول

5) استوارت هاوکیلز، اچ.، دان، آنتونی.، کار، جان (1373): فرآیند ترویج کشاورزی و
دامپروری (ترجمه). ناصر اکتایی. مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستائی. چاپ اول.

6) قرائتی، محسن (1374): تفسیر نور جلد 6. انتشارات مرکز فرهنگی درسهای از
قرآن. چاپ اول

- 7) قرائتی، محسن (1374): تفسیر نور جلد 10. انتشارات مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن. چاپ اول
- 8) قرائتی، محسن (1374): تفسیر نور جلد 7. انتشارات مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن. چاپ اول
- 9) قرائتی، محسن (1374): تفسیر نور جلد 5. انتشارات مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن. چاپ اول
- 10) قرائتی، محسن (1374): تفسیر نور جلد 4. انتشارات مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن. چاپ اول
- 11) قرائتی، محسن (1374): تفسیر نور جلد 8. انتشارات مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن. چاپ اول
- 12) قرائتی، محسن (1374): تفسیر نور جلد 12. انتشارات مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن. چاپ اول
- 13) قرائتی، محسن (1374): تفسیر نور جلد 11. انتشارات مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن. چاپ اول